



به طور کلی به سامان نبودن دادگستری موریانه جان سختی است که پایه‌های جامعه را نه به تدریج که به سرعت خواهد خورد... دروازه اصلاح کلی همه امور هر کشور، دادگستری آن کشور است. آبادانی کشور در گرو صحت عمل قوه قضائیه است. زیرا اگر همه امور مملکت به سامان باشد و دادگستری نایسامان، همه چیز ویران خواهد شد.

(بخشی از مقاله مؤلف تحت عنوان دادگاه‌های عام در آئینه ملت روزنامه جامعه ۷۴/۲۳)
۱۴- «درم از او هست و درمان نیز هم». آنچه که گفته شد شمه‌ای موجز از وضعیت موجود دستگاه قضایی است. اما اینکه چه باید کرد؟

۱۵- راه‌حل همان احیای وضع قضایی پیشین است. همان وضع مستقر پیش از سال ۱۳۷۴، آن هم به نحو دقیق و کارشناسانه، سیستم قضایی سابق دارای دادرس‌های نواحی بود. هر دادرس‌ای ناحیه، دادستان، دادیار، بازپرس و تعدادی دادگاه داشت. اینک نیز ضروری است پس از بازنگری علمی و کارشناسانه در قوانین در جهت احیای آیین دادرسی کیفری گذشته هر یک از مجتمع‌های قضایی موجود، بدون ایجاد تغییرات جدی در تشکیلات واقعاً موجود آن، تبدیل به دادرس‌ای ناحیه شده و دادرسان جوان تر چه به لحاظ سنی و چه به لحاظ دانش و تجربه قضایی با حفظ ابلاغ قضایی به سمت دادیار و بازپرس تعیین شوند.

آموزش و تجهیز دادرسان به دانش پیشرفته قضایی روز و جذب قضات تحصیلکرده بی‌طرف، گام‌های تدریجی بعدی است، این گونه است که با تحمل کم‌ترین خسارت ظرف چند سال می‌توان به کمی پیش از تابستان سال ۱۳۷۴ نزدیک شد. در غیر این صورت با موجی جدید از نابسامانی مواجه خواهیم شد... اما... باید پیش از هر چیز فکری به حال چشمان «فرشته» کرد. چرا که هیچ چیز به سامان نمی‌شود، مگر آن که فرشته متانت خود را بازیابد و هر دو چشم خویش را به یکسان باز کرده و شاهین ترازوی «داد» را هسان و میزان کند. آن گاه است که همه چیز «به سامان» خواهد شد.

۱۶- بخشی از راه‌حل همان است که در بالا و باز هم از نوشته «دادسرا افاقه نمی‌کند...» ملاحظه کردید. بخش‌های دیگری هم هست حفظ استقلال قضات و برکنار نکردن آنها به هنگام ابراز استقلال رأی، تجهیز دادسرا و دادگاه انتظامی به قضات تحصیلکرده سپید موی بی‌طرف غیرسیاسی و عدم تعرض به جایگاه والای آن می‌تواند در بهبود نسبی و تدریجی اوضاع مؤثر باشد.

فکری به حال چشمان فرشته عدالت کنید

احمد فتحی-وکیل پایه یک دادگستری

ابتدا و پیش از هر اقدام دیگر باید چشم «فرشته» را درمان کرد. «فرشته» باید یاد بگیرد که همگان را... با هر دو چشم و به یک سان نگاه کند... - ایجاد کمیسیون‌های کارشناسی و احیای دادسرا آنگاه کارساز است که ابتدا این نگاه تصحیح شود. یعنی تبدیل نگاه تبعیض‌آمیز به نگاهی مبتنی بر برابری.»

مطالب داخل گیومه نقل از مقاله دادسرا افاقه نمی‌کند چشم فرشته لوچ است. (چاپ شده در روزنامه حیات نو ۱۳۷۹/۲/۲۹)

۷- هدف از نمونه برداری از مقالات پیشین این است که آنچه اینک ریاست محترم قوه قضائیه پس از سه سال مدیریت بر دادگستری ایران می‌گویند، پیش از این به کرات و بارها از سوی همان روزنامه ها گفته شده است. نشریاتی که به گفته سخنگوی انجمن دفاع از آزادی مطبوعات:

۷/۱) «از اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۹ تاکنون ۸۲ نشریه

در سراسر کشور توقیف شده است... بازداشت‌های

غیرقانونی و صدور پاره‌ای از احکام دوباره از سر گرفته

شده و این رفتارها نگرانی‌هایی را برای انجمن دفاع از مطبوعات ایجاد کرده است. شمس الواعظین ابراز

امیدواری کرد که با رفع توقیف از مطبوعات و آزادی روزنامه‌نگاران، رکن چهارم دموکراسی بتواند در جهت تقویت و تثبیت قوای دیگر عمل کند... هم‌زمان با بالا رفتن شاخصه‌های حقوق بشری در ایران باید گردش

آزاد اخبار و اطلاعات تضمین شود... گردش آزاد اطلاعات و اخبار می‌تواند موقعیت ایران در جهان را

بهبود بخشد.»

(ماشاءالله شمس الواعظین، سردبیر روزنامه توقیف

شده جامعه، توس، نشاط و عصر آزادگان چاپ شده در روزنامه بنیان ۱۴/۲/۱۳۸۰)

۸- واقعاً همین طور است که آقای شمس می‌گوید، اگر رکن چهارم دموکراسی یا به عبارت دیگر تنها رکن دموکراسی در محاق توقیف و تعطیل گرفتار نشده بود، وضعیت دادگستری امروز ایران، آن نبود که رئیس

محترم قوه قضائیه بی‌ترس از توقیف و تهدید و برچسب و پرونده‌سازی خود به افشای آن می‌پردازد.

۹- «باید در دستگاه قضایی تحول ایجاد کنیم، اگر این تحول ایجاد نشود، بااین همه تلاش‌های طاقت فرسا فقط خودمان را خسته می‌کنیم و باز در جای خود ایستاده‌ایم... صد و هفتاد هزار نفر زندانی داریم. اما این آمار محکومان است، اگر آمار روزانه را بخوانیم... هشتصد هزار نفر، یک میلیون نفر زندانی بازداشت موقت داریم... اسمش بازداشت موقت است، چه فرقی می‌کند حکم سه ماه زندان باشد یا سه ماه بازداشت موقت.»

۹/۱) جمع بین فرمایشات رئیس محترم قوه قضائیه

و عرایض سربیر و زندانی پیشین ما را به رقم یک میلیون

و هشتاد و دو مورد بازداشت موقت می‌رساند. یک میلیون نفر آدم‌ها که برخی از آنان روزنامه‌نگار بوده‌اند و اینک نیز هستند و هشتاد و دو مورد روزنامه‌ها، بد نیست به اشاره، نکته‌ای را به اطلاع ریاست محترم قوه قضائیه برسانم و آن همان اجرای بازداشت‌های موقت تحت عنوان قرار وثیقه است. در ظاهر، قرار وثیقه صادر می‌شود، حال آنکه تا چند روز و شاید چند هفته سند نمی‌پذیرند. چند روز را خود دیده‌ام چند هفته آنان بماند برای بعد.

۱۰- «وقتی می‌بینم در جامعه فساد زیاد است و ناامنی هست باید فکری به حال آن بکنیم. این ربطی به

شکل پرونده و رسیدگی ندارد. یکی از حقوق مردم، دادن آزادی‌های مشروع است، باید کاری کنیم تا مفاسد

اقتصادی از دامن نظام بیرون برود و مفاسد اخلاقی و اجتماعی کم شود.»

(رئیس محترم قوه قضائیه، روزنامه نوروز ۱۴/۲/۱۳۸۱)

۱۰/۱) چرا ربط دارد، به دو چیز خیلی ربط دارد، یکی

به شکل پرونده و نحوه رسیدگی و دیگری به گردش آزاد اخبار و اطلاعات. این هر دو موجب می‌شود تا

اجرای که آن را بیش از پیش در مقابل قانون اساسی قرار داد. اثرات منفی قانون پرتقصه دادگاه عام قابل محدود کردن بود به این شرط که اجرای آن به طریق کارشناسانه و دقیق صورت می‌گرفت. اما این گونه نشد و علی‌رغم پیش‌بینی همان قانون بر اجرای تدریجی ۵ساله، این امر به صورت اقدام «گسروه ضربت» انجام شد. طبیعی‌ترین، کارشناسانه‌ترین و بی‌طرفانه‌ترین راه اجرای قانون پراشکال جدید، ابلاغ آن به تشکیلات واقعاً موجود قضایی بود. اجرای بی‌طرفانه و کارشناسانه همان قانون مستلزم زیر و رو کردن تشکیلات قضایی و ایراد ضربه سهمگین بر پیکر کم‌توان آن نبود.

(بخشی دیگر از همان مقاله و همان روزنامه)

۴- آنچه که با کیفیت بالا بر دادگستری ایران رفت، برنامه‌ای از پیش طراحی شده بود که حداقل ۵-۴ سال بر روی آن کار شده بود. برنامه‌ای که منجر به خروج قضات تحصیل کرده قدیمی و ورود خیل دادرسان کم‌تجربه ناشناخته جدید به دستگاه قضایی گشت.

۱/۴) آیت الله شاهرودی با اشاره به سفر خود به بوشهر گفت:

«دراین سفر آقای نیازی از زندان بازدید کرد. پرونده

۸۷ نفر از زندانی‌ها را دیده بودند یا پرونده‌گم شده بود یا حکم را اجرا نکرده بودند.»

(رئیس قوه قضائیه روزنامه نوروز ۱۴/۲/۱۳۸۱)

۱/۴-بوشهر که هیچ، در همین تهران خودمان، اینک ۷ سال پس از اجرای قانون دادگاه‌های عام پرونده‌های ۹ و ۱۰ساله‌ای هست که یا گم شده است و یا در «چم و خم» ناشی از نابسامانی دادگاه‌های عام به نتیجه نهایی نرسیده است چرا؟

۵- مدتی پیش از اجرای قانون دادگاه‌های عام، دادگاه‌های حقوقی ۱، کیفری ۱، شعب دیوان عالی کشور و دادستانی کل کشور در ساختمان کاخ دادگستری مستقر بود. پیش از آقای صفدری و نیز تا پایان دوره کاری مستعجل ایشان همواره در اتاق رئیس کل و معاونین او بر روی همه مراجعان -اعم از وکلای دادگستری و نیز مردم عادی-باز بود. یک ویژگی دیگر نیز در آقای صفدری موجود بود و آن همان گشاده‌رویی ایشان بود. آقای صفدری رفت وزود هم رفت. در بساز را نیز با خود برد و از آن پس دیگر دستیابی به رئیس کل و نیز معاونین ایشان حتی در نواحی دادگستری مشکل گشت.

۱/۵) «مقایسه‌ای میان مواجهه دستگاه قضایی با متهمان به قتل شادروان فروهر و زنده یاد پروانه اسکندری و برخی از نویسندگان، حمله به کوی دانشگاه و ترور حجازریان، از یک سو و نحوه برخورد آن با روزنامه‌نگاران، دانشجویان و فعالان سیاسی، از سوی دیگر نشان می‌داد که برای استحاله ویرانه سلف به آبادی خلف راهی طولانی در پیش رو داریم. در حالی که متهمان به قتل‌های زنجیره‌ای با وثیقه آزاد می‌شوند، روزنامه‌نگارانی از قبیل اکبر گنجی و عمادالدین باقی و...پیش‌از محاکمه و صدور رأی روانه زندان می‌شوند و وثیقه و ضمان برای آنان پذیرفته نمی‌گردد» (بخشی از نامه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، روزنامه بهار ۲/۴/۱۳۷۹)

۶-اگر پرونده‌ها کارشناسی شود، خیلی از بحث‌های مطبوعاتی علیه قوه قضائیه مطرح نخواهد شد. بسیاری از اشکالات که از طرف برخی از مطبوعات با جنبه‌های سیاسی به دستگاه قضایی وارد می‌شود به علت فقدان کارشناسی دقیق است که می‌توان با ایجاد کمیسیون‌های کارشناسی در دادگستری‌ها هم دقت و سرعت رسیدگی را بالا برد و هم از ایراد مطالب بی‌اساس بر ضد دستگاه قضایی جلوگیری کرد.

۶/۱- این نوشته بر آن است که بگوید از قضا ایرادهای مطروحه توسط مطبوعات علیه دستگاه قضایی متوجه جنبه‌های سیاسی آن است و اینک دیگر اقداماتی مانند ایجاد کمیسیون‌های کارشناسی و «احیای دادسرا، داروی درد نیست، چرا که

۱-«متأسفانه پایه‌های قوه قضائیه ناقص و ناهموار نهاده شده است. این دیوار از اساس کج نهاده شده و هیچ تناسبی نه با وضع موجود دنیا دارد و نه با وضع بودجه و نه با آنچه در فقه و اسلام در مورد قضاوت آمده و نه آنچه در قانون اساسی با عنوان مسؤولیت قضاوت آمده است.

(رئیس قوه قضائیه روزنامه نوروز ۱۴/۲/۱۳۸۱)

۲-نه‌نه! دیوار دادگستری ایران از ابتدا کج نبوده است. دادگستری ایران در تابستان سال ۱۳۷۴ با اقدامی ضربتی به یک باره تخریب شد و در همان تابستان پایه‌های ناقص و ناهمواری بر آن خرابه‌ها به جای گذاشته شد.

۲/۱-[تابستان داغ و دودآلود سال ۱۳۷۴ فصل انتقادو تعریف و تمجید بود.انتقاد مردمان سرگردان در راه‌پله‌های مجتمع‌های قضایی تازه تأسیس...از یک سو و تعریف و تمجید بانیان تشکیلات جدید قضایی در تبیین معجزه تازه خویش...از سوی دیگر، معجزه‌ای که هزار و یک خاصیت داشت از جمله و حتی کاهش جرایم در نتیجه اجرای قانون دادگاه‌های عام در فلان بخش از دارقوزآباد]

(بخشی از مقاله مؤلف تحت عنوان دادگاه‌های عام در آئینه ملت، روزنامه جامعه ۲۲/۴/۱۳۷۷)

۳-دادگستری ایران موزه ملی ایران بود. موزه ملی‌ای که در تابستان ۱۳۷۴ بیش از ۸۰سال عمر داشت و بر مبنای خواست تاریخی ملت و با شعار «عدالتخانه» شکل گرفته بود. در آنجاها از جهان که موزه‌ای ملی وجود دارد هرگاه که آثار باستانی جدیدی از خاک در می‌آید- روانه کشورهای غنی تر نمی‌شود-و یا این که هنرمندان معاصر، آثار بدیع جهانشمول می‌سازند، آنها را در جاهای خالی «موزه» گذاشته و با این‌که محل‌های تازه‌ای برای آنها در نظر می‌گیرند.

در هیچ جای دنیا رسم نیست که به بهانه گذاشتن اشیاء جدید در «موزه» اساس آن را که طی ده‌ها سال شکل گرفته است بر هم زده و زیر و رو کنند چرا که این زیر و رو کردن موجب شکستن و صدمه دیدن و کم شدن و یا «کش» رفتن برخی از آثار گرانقدر باستانی و معاصر می‌شود. دادگستری ایران یا به تعبیر این نوشته «موزه‌ی ملی ایران در تابستان سال ۱۳۷۴ زیر و رو شد. ۱/۳-ویژگی قانون دادگاه‌های عام نه تنها در ذات و ماهیت منفی و مخرب آن، نه تنها در مغایرت آن با دستاوردهای پیش‌رفته دانش حقوقی جهان و نیز کشور ما و نه تنها در تضاد ماهوی آن با قانون اساسی، بلکه از جهت نحوه اجرای به مراتب مخرب تر آن بود. نحوه



سیستم قضایی سابق دارای دادرس‌های نواحی بود.هر دادرس‌ای ناحیه، دادستان، دادیار، بازپرس و تعدادی دادگاه داشت.اینک نیز

ضروری است پس از بازنگری علمی و کارشناسانه در قوانین در جهت احیای آیین دادرسی کیفری گذشته هر یک از مجتمع‌های قضایی

موجود، بدون ایجاد تغییرات جدی در تشکیلات واقعاً موجود آن،تبدیل

به دادرس‌ای ناحیه شده و دادرسان جوان تر چه به لحاظ سنی و چه به

لحاظ دانش و تجربه قضایی با حفظ ابلاغ قضایی به سمت دادیار و

بازپرس تعیین شوند